

توضیحاتی در مورد انتقادات رفیق فاروق نقشی در مورد

((قطعنامه پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران))

شیرزاد حسنی

لازم به ذکر است توضیحات مذکور فقط در حد اطلاعات موثق و نزدیکی است که من در مورد مسائل دارم و در مورد مسائل درون تشکیلات مانند رد و بدل شدن نوشته ها ، مباحث و نشستهای اعضاء فراکسیون با رفقای مخالف اطلاعات چندانی ندارم و جوابیه این قسمت از اظهارات رفیق فاروق را به این رفقا واگذار می کنم .

پیش از اینکه به اصل موضوع بپردازم لازم می دانم توضیحات مختصری در این مورد داشته باشم.

معمولا چه در درون و یا بیرون از یک سازمان زمانی که فرد، گروه یا تعدادی از اعضاء به یک فکر و نتیجه مشترک می رسند که اهداف و آرمانهای خود را به شیوه ای دیگر دنبال کنند یا اینکه بازنگرشی در این مورد داشته باشند راه کارها و اهداف جدید خود را به شیوه ای کنکرت و مدون در دستور کار قرار می دهند و سپس آنرا ارائه و پراکتیزه خواهند کرد و در نهایت از آن دفاع می کنند . اما بر اساس برداشتی که من تا به حال از برنامه ها و اهداف این رفقا و به نمایندگی از آنها رفیق فاروق داشته ام نه تنها برنامه ای واضح و مدون نداشته بلکه هر بار در جهتی از اهداف خود دفاع می کنند که با دفاعیات و توضیحات قبلی آنان متفاوت است . یا اینکه هر جا به نفعشان باشد از سیاست مشخصی دفاع کرده و در جای دیگر درست همان سیاستی که خود بر آن نقد داشته اند دنبال میکنند. مانند نقد از متدولوژی حاکم بر احزاب

در پ 2 این متن انتقادی رفیق فاروق نوشته اند که ما علاوه بر دفاع از فراکسیون از پرنسیپها و اصول ناظر بر فعالیت و مبارزه کمونیستی و انقلابی کومله و جریان رادیکال سوسیالیستی درون جامعه نیز دفاع می کنیم . رفیق گرامی این فقط تصمیم کمیته مرکزی حزب یا کومله به تنهایی نیست اگر شما کنگره کومله را به عنوان یک مرجع صلاحیتدار قبول دارید و نمایندگان داخل کشور را به عنوان نمایندگان طبقه کارگر نه ، بلکه به عنوان نمایندگان جامعه که در کنگره حضور داشته اند قبول دارید خواهان این تصمیم بوده و در آرا و تصمیمات نهایی کنگره نیز مشخص شد . این نهایت نگرانی و عدم قبول ایجاد چنین فراکسیونی بود که در کنگره اعضاء کمیته مرکزی کومله و حزب را ملزم نمود تا در اولین فرصت به چنین اقدامی دست بزنند و در نهایت به این تشویش و نگرانی حاکم بر حزب و جامعه پایان دهند. این به معنی اخراج شما یا ارج نهادن به زحمات و فعالیتهای تاکنونی شما نیست بلکه این جواب اصولی و به جانیست به تصمیم سیاسی نا به وقت و اشتباه، در مقطعی تاریخی و حساس است . که در مورد آن نیز به اندازه کافی هم در مباحثات کنگره و هم در نوشته ها به آن پرداخته شد. اگر شما جریان رادیکال و کمونیستی کومله و جامعه را قبول دارید این تصمیم و عملکرد شما را انحرافی و غیر اصولی می داند.

در مورد کالبد شکافی که بر روی واژه های متن مذکور انجام داده اید این برداشت کلی و منفی شما از موضوع است. شما شخصا در کنگره 13 کومله حدودا یک ساعت و نیم در موارد مختلف و منجمله متدولوژی مارکسیستی و انحرافات آن در احزاب چپ و غیره صحبت کردید اما دقیقا همان نکته ای که بر آن نقد داشتید خود دوباره مرتکب آن شدید. شما در ادامه همین بحث در کنگره اشاره کردید که رفقای مخالف ما از سخنان و نوشته های ما برداشتی اشتباه نموده و قبل از آنکه تجزیه و تحلیل درست و منطقی از آن داشته باشند پاسخی از قبل آماده ارائه داده که حاصل برداشتها و ذهنیات خود آنهاست. و آنرا به عنوان یکی از عوارض منفی متدولوژی احزاب چپ معرفی نمودید که خود شما نیز در این مورد همان شیوه آنها را تکرار نموده اید. دوست عزیز این استنباط شما از این متن است اما کلمات و واژه های اصلی متن این معنی را نمی رسانند. هر واژه ای معنی مشخصی دارد و نمی توان آنرا خود به خود و بر اساس تمایلات شخصی جایگزین واژه دیگری نمود. اگر این دوستان به جای کلمه (اطلاع) می خواستند کلمه (اجازه) را به کار برند بدون هیچ تعارفی این کار را می کردند اما به کار بردن این کلمه (اطلاع) نه به منظوری خاص بلکه درست جنبه اعتقادی دارد چون در اخلاقیات کمونیستی و رادیکال اینگونه کلمات (اجازه) محلی از اعراب ندارد و سالها مبارزه کمونیستی در راستای محور چین فرهنگ منحن بورژوا مابانه ای بوده است. و این رفقا نه از روی ترس از افکار عمومی جامعه و یا تعارف بلکه درست از روی عدم اعتقاد به چنین عمل و رفتاری است. شما بدون اینکه در مورد دقیق یا نادقیق بودن این منظور اطمینان حاصل کنید، بر این واژه تمرکز نموده تحلیلها و استنباطات خود را از آن نموده و در نهایت به نتایج مطلوب خود رسیده اید و در نهایت چنانچه بارها در کنگره تاکید کردید که هدف از بیان این مطالب نکات کلی و اساسی است و شخص یا اشخاص معینی مد نظر نیست درست به عکس اینبار رفقای مخالف خود را به شیوه ای علنی و آشکار مورد اتهام قرار داده و آنها را به استقرار دیکتاتوری حزبی و استالینیسیم متهم کرده اید. این خود نمونه بارزی از تناقضات شما در عمل و گفتار شماست. دوست عزیز اگر واقعا رفتار و عملکرد دوستان مخالف با شما و دیگر مخالفان به این صورت بود مسلما هم آنها و هم شما تا این حد نمی توانستید رشد کنید و جریاناتی مانند کمونیست کارگری و منشعبین چنین ضربات سنگینی به کومله و حزب کمونیست نمی زدند.

در جایی دیگر رفیق فاروق به دو کلمه "تحصیل حاصل" اشاره کرده و توضیحاتی در مورد آن ارائه داده اند. در نوشته رفیق فاروق این استنباط از این کلمات شده گویا این رفقا این دو کلمه را در متن مزبور با اهداف عوام فریبانه و برای تشویش اذهان عمومی به کار برده و با اهداف سیاسی بوده است. دوست عزیز اگر ما مدت طولانی با این دوستان نبوده ایم اما شناختی کافی از آنها داریم و به کاربردن چنین واژه های را در حق آنها درست و منصفانه نمی دانیم چنانچه در حق شما هم چنین است. شما چندین سال است که دوست، همسنگرو همزمید و شناخت بهتری از آنها دارید و مسلما هم خود به این آگاهید که این دوستان نه تنها از این اتهام میبراهستند بلکه جزو صادقترین و پاکترین افراد این جامعه اند و اینان کسانی هستند که همچون شما و سایر رفقا تمام زندگی و هستی خود را در این راه گذاشته اند بنابراین به کاربردن چنین کلماتی جهت گرفتن تائیدیه از جامعه و اثبات واقعیت مجاز نیست.

شما کنگره را به عنوان یک مرجع صلاحیتدار برای تائید یا رد فراکسیون معرفی کرده اید. حال سوال من اینست شما کنگره ای که شرکت در انتخابات کمیته مرکزی را برای خود مجاز ندانستید و یکی از رفقای فراکسیون قبل از انتخابات اعلام کرد که به دلیل گرایش بودن انتخابات کنگره و عدم انتخاب رفقای ما از طرف کنگره هیچکدام در این انتخابات کاندید نخواهیم شد چگونه ممکن است که به اعلام موجودیت فراکسیون رای مثبت دهد. و از طرفی اگر واقعا به این روش معتقد بودید چرا آنرا به رای نگذاشتید یا به صورت قطعنامه ای آنرا

پیشنهاد نکرديد و عملی که خود عمدتا از آن صرف نظر کرده ايد گناھش را به گردن ديگران می گذاريد. و حتی در جایی به طفره رفتن کنگره از اين موضوع اشاره کرده ايد که اين به معنی آنست که شما آنرا مطرح نموده و کنگره از طرح آن به هر دلیلی طفره رفته که ابدًا چنین نبوده.

اشاره کرده ايد که " اساسا رفقای رهبری حزب نه تمایلی به گشودن باب مباحثه حول فراکسیون داشتند و نه موافق طرح آن در کنگره بودند... "

اولا: دوست عزيز در اینجا فقط به رفقای حزبی اشاره کرده ايد که آنها تمایلی به بحث اين موضوع نداشتند کویا اين کنگره ، کنگره حزب بوده و يا شما در آن هيچگونه قدرت اجرائی نداشتيد . اين کنگره 13 کومله بود و شما هم به عنوان اعضاء و کادرهای کومله در آن حضور داشتيد . ثانيا : اگر به خاطر داشته باشيد رفقای مخالف فراکسیون در کنگره 12 تمایل به گشودن مبحث فراکسیون داشتند و اولين کسی که باب اين بحث را گشود رفیق صلاح بود که همگی دیدیم رفیق ساعد به دلیل عدم تمایل به گشودن اين بحث چگونه با او برخورد کرد چون هم شما و هم او احساس می کردند برای طرح اين مسئله هنوز زود است اما در طول اين دو سال چه اتفاق مهمی به نفع شما و به ضرر آنها رخ داده که آنها از اين تمایل خود به شدت صرف نظر کرده و شما نیز شديدًا به طرح آن تمایل شده ايد خود جای سوال دارد . در کنگره 13 هم تا جایی که من اطلاع دارم اکثرا موافق ارائه اين بحث بودند و به محض که آنرا به رای کنگره گذاشتند با بيشتريين رای به تصویب کنگره رسيد و فاکتهائی هم که در اين مورد ارائه داده ايد قبلا جواب خود را از کنگره گرفته و من نیاز به توضیحات بيشتري در اين مورد نمی بينم . و اگر به زعم شما که بارها هم به آن اشاره کرده ايد اعضاء مخالف فراکسیون مستقيما براکثرا اعضاء کنگره اعمال نفوذ کرده اند مسلما اين امر در مورد عدم گشودن مبحث فراکسیون در کنگره هم صدق می کرد و می توانستند در اين مورد هم اعمال نفوذ کنند اما طبق تحليل شما باز شدن اين موضوع برخلاف تمایل آنها بوده و آنها ناچار به دنباله روی از رای اکثریت کنگره شده اند که به نظر من چنین نبود.

شما درجائی به ضرورت بازنگری اساسنامه اشاره کرده ايد و درجائی ديگر به ضرورت انحلال حزب کمونیست تاکيد داريد . اين برنامه دو وجه ای که شما آنرا مد نظر داريد شما را به کدام سمت هدايت می کند اگر می خواهيد حزب را منحل کنید ديگر نیازی به بازنگری در برنامه و اساسنامه آن وجود ندارد و اگر خواهان بازنگری در آن هستيد ديگر چرا راه انحلال را انتخاب نموده ايد.

شما با آوردن فاکتهائی پايبندي خود را به سوسیالیسم و کمونیسم مجددا اعلام داشته ايد و اعتقاد راسخ خود را به سرنگونی نظام و سيستم سرمايه داری از طريق انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر اعلام داشته ايد اما در بيانيه اعلام موجوديت فراکسیون نامی از انقلاب و طبقه کارگر نبرده ايد. و اين جای سوال دارد . يا شما ذاتا به اين معتقد نيستيد يا بيانيه را خود نوشته ايد يا اينکه اين نکات اساسی و پايه ای را فراموش کرده ايد.

و نکته آخر فعاليت تحت نام کومله است . دوست عزيز . از حزب و سازمان و گروه و غيره بگذريم. آيا شما تا به حال ديده ايد که يک شرکت ، کارخانه يا هر مرکز توليدی با يک سرمايه مشترک ، يک هيئت مديره يا مديرکل و يک نوع توليد با يک نام و در عين حال با دو هدف متفاوت فعاليت کند. يا اينکه اگر دو کارخانه يا هر چيز ديگری با هيئت مديره و سرمايه مختلف اما با همان نام بخواهد فعاليت کند طبق قوانين تجارت جهانی تحت پيگرد قرار نخواهد گرفت و جرم محسوب نميشود. البته در اینجا منظور نمايندگان تائيد شده آنها نيست. اما درجائیکه

ما خود را بالاتر از افکار آنها ، اخلاقیاتشان و رفتار آنها می دانیم چون چنین قید و بند قانونی و اجرائی در این مورد وجود ندارد بی محابا خود را محق می دانیم در داخل یک تشکیلات ، تشکیلات دیگری با یک اسم مشترک به وجود بیاوریم و از آن « دفاع نموده و مدعی شویم که ما حق هیچکس را پایمال نکرده و این حق مسلم ماست. در صورتی که شما بارها گفته اید ما با مخالفین فراکسیون اهداف مشترکی داریم ما بازبینی بعضی از برنامه ها و اساسنامه ها ی حزب و کومله را لازم می دانیم که این اهداف شما با پیشنهاد اصلاح در برنامه ها و اساسنامه های حزب و کومله برآورده خواهد شد دیگری نیازه به وجود آوردن فراکسیون و غیره ندارد و این جواب را بارها از دیگر رفقا نیز شنیده اید. اگر پلنوم چهارم حزب یا هر مرجع دیگری فراکسیون را به رسمیت نشناخته دلیل بر این نیست که به اسم دیگری فعالیت آن رسمیت دارد بلکه اگر به اسم دیگری فعالیت خود را شروع کند دیگر نخواهد توانست با نام کومله اهداف خود را پراکنیزه کند و تفکیک آن دو برای جامعه آسانتر خواهد بود امیدوارم شما نیز با همان اهداف مشترکی که بر آن پافشاری می کنید بیشتر به فکر پیشبرد اهداف و نیازهای طبقه کارگرو زحمتکش باشید و کمتر اختلافات درون سازمانی و تشکیلاتی را برجسته کنید چون طبقه ای که در راه آرمانها و منافع آن سالها تلاش و کوشش بی دریغ نموده اید در این مقطع بیشتر از هر زمانی نیازه تشکل و اتحاد دارد ما باید بیشترین تلاش را در راه ایجاد تشکل و اتحاد این طبقه داشته باشیم . و این بدون وجود یک حزب چپ رادیکال و سوسیالیسم به وجود نخواهد آمد.

شیرزاد حسنی

1387/7/12